

یا خنثی کردن قدرت یافتن جریانها وابسته به عربستان سعودی در منطقه می‌باشد که بدون بهره برداری از توانمندیهای ایران دست نیافتنی است.

اتحادیه اروپا در تحریم ایران، بزرگترین سیاست اعمال تحریم خود در طول تاریخ این اتحادیه را تجربه کرد. بررسی سیاست خارجی این اتحادیه نشان می‌دهد این مورد همزمان یکی از معهود مواردی بوده است که در اتحادیه اروپا شاهد اتخاذ یک سیاست خارجی واحد هستیم. به نظر جنابعالی زمینه‌های تحقق این سیاست خارجی مشترک چقدر در سیاست خارجی کشورمان و چه قدر در زمینه همکاری اروپایی وجود داشته است؟

سیاست خارجی اتحادیه اروپا اتفاقاً از معهود حوزه‌هایی است که روند همکاری در آن با ثبات بیشتری پیشرفته و معمولاً اتخاذ سیاست واحد اروپایی در قبال بحران‌ها و تهدیدهای بین‌المللی برای این قاره با سهولت بیشتری بدست می‌آید. اما اعمال تحریم‌های گسترده اتحادیه اروپا که بنظر من از لحاظ وسعت و پیچیدگی بی سابقه بوده است بیشتر عکس العملی در قبال سیاست خارجی دولت آقای احمدی نژاد بود. بحران اتمی ایران و نوسانات آن همراه با فشار مستمر ایالات متحده چالشی برای اروپا بود که تلاش خود را برای ایفای نقش راهبری در حل و فصل آن نشان می‌داد. اما چرخش اتحادیه از سیاست گفت و گو به تشدید تحریمها در واقع نتیجه نوعی اجماع قدرت‌های جهانی در قبال سیاست خارجی آقای احمدی نژاد بود که ویژگی عمده آن ایجاد اصطکاک و برهم زدن نظمهای پذیرفته شده بود. این سیاست خارجی در واقع اتحادیه اروپا را در مقابل آمریکا و نیز فشارهای اسرائیل ولابی‌های فعال در اروپا خلع سلاح کرده و اجماع بر سر سیاست خارجی واحد و سختگیرانه را بسیار ساده‌تر کرد.

آیا کشورهای اروپایی در بازگشت به سوی ایران نیز سیاست همکاری را

نیز ملاحظه می‌شود. در هرصورت از این نکته نباید غافل شد که چنانچه این توافق نامه به نتیجه مدنظر دست نیابد اروپا مجدداً پیش قراول تشدید تحریمها و فشار بر ایران خواهد بود که ضرر آن بیش از محدودیتهایی بوده که ایالات متحده در سه دهه اخیر بر ایران تحمیل کرده است.

برخی مقام‌های اروپایی از جمله وزیر خارجه ایتالیا از رقابت کشورهای اروپایی در نزدیک شدن دوباره به ایران سخن گفته اند، به نظر شما این رقابت چه قدر واقعی است و بر سر چه موضوعاتی است؟

مهمترین دغدغه اروپا در وهله اول بازگشایی تعاملات اقتصادی با ایران می‌باشد. در شرایط بحران اقتصادی حاکم بر اروپا بازاری همانند بازار ایران اگر نتواند تحولی ایجاد کند



دست کم می‌تواند در حوزه‌های خاص موجب تحرک اقتصادی در برخی از کشورهای اروپایی شود. لذا رقابت کشورهای اروپایی در این عرصه امری طبیعی است. اما در وهله بعد نقش جمهوری اسلامی در کمک به حل بحران سوریه و ایجاد ثبات در عراق و افغانستان نیز از نظر اروپا به دور نیست. گسترش جریانات سلفی وابسته به عربستان سعودی با حمایت‌های قطر و ترکیه تهدید جدیدی برای اروپا به شما می‌رود که بدون نقش آفرینی ایران منجر به عدم توازن جدی در منطقه و ورود موج جدید تهدیدات امنیتی در سراسر اروپا خواهد بود. لذا از لحاظ سیاسی نیز اروپا در صدد ایجاد توازن

کم نقش شریک برتر را داشته است. کشورهای اروپایی بطور سنتی دارای نفوذ جدی در سطوح مختلف حاکمیتی و مدیریتی کشورهای خاورمیانه بدلیل سابقه استعماری و یا در هم تنیدگیهای سیاسی اقتصادی با خاندان‌های حاکم می‌باشند و روابط دوجانبه معمولاً تحت تأثیر این عوامل همچنان به برتری اروپا منجر می‌شود. اما در مورد ایران اروپا باید به سمت پذیرش ایران به عنوان قدرتی مستقل و فارغ از مدلهای کلاسیک در منطقه پیش برود تا بتواند روابطی پایدار همانند رابطه با هند یا چین را فراهم سازد.

به نظر جنابعالی، توافق نامه ژنو چه فرصت‌هایی را برای تعامل ایران و اروپا به وجود آورده است؟

قضاوت در مورد توافق نامه ژنو هنوز زود است و به نظر اینجانب با توجه به

رومانی بعنوان یک کشور اروپایی نمی‌تواند هم‌تراز آلمان در رابطه با ایران قرار گیرد ولی چه بسا نفوس عضویت در اتحادیه بتواند به پیشبرد منافع ملی ما کمک کند اما نحوه تعامل و تنظیم روابط حتماً متفاوت با آلمان خواهد بود

ابتکار عمل ایالات متحده در این توافق نامه اروپایی‌ها در مقابل عملی انجام شده قرار گرفتند. در واقع این توافق نامه نشانه دیگری بود از ضعف سیاست خارجی اروپا در تعامل صحیح با ایران. همانطور که ملاحظه شد حتی فرانسه که دارای مواضع سرسختانه‌ای در قبال ایران بود موجب بی نتیجه ماندن دور نخست مذاکرات شد. اما از دیگر سو فرانسه اولین کشوری بوده که تلاش خود را برای بهره برداری حداکثری از موقعیت به دست آمده به کار انداخته و این اشتیاق در دیگر کشورهای اروپایی